

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۱ می ۲۰۱۵

جامعه کارگری در اوّل ماه می

چند روزی به اوّل ماه می، روز جهانی کارگر باقی مانده است؛ روزی که جهان، شاهد حضور گسترده کارگران در خیابان‌ها علیه سرمایه‌داران خواهد بود. در چنین روزی میلیون‌ها کارگر سرتاسر جهان، در صفی واحد و به همراه هزاران کمونیست و آزادی‌خواه، صاحبان تولیدی، کارفرمایان و دولت‌های حامی سرمایه را به مصاف می‌طلبند و بار دیگر، تنفر و انزجار خود را علیه بی‌عدالتی‌های موجود اعلام می‌نمایند.

حقیقتاً که جهان سرمایه‌داری به دلیل ذات و نیاتش، زندگی کارگران را در موقعیت خطرناکی قرار داده است تا موقعیت خود را مطلوب‌تر نماید. در چنین دنیایی، جامعه کارگری، جامعه ای بی‌افق و جامعه ای بی‌چشم‌انداز زندگی بهتر می‌باشد. پُر واضح است که اوضاع ناهنجار زندگانی کارگران و آن‌هم در زیر سایه نظام‌های امپریالیستی امر عجیب و غریبی نیست و کارگران از زمان پیدایش طبقات زورگو و سرمایه‌داران، مورد استثمار و تعرض بی‌رحمانه سودجویان قرار داشته و همچنان و با شتابی صد چندان، توسط جانپان بشریت له و لورده می‌شوند. سال گذشته و بهمانند دیگر سال‌ها، کارگر، شاهد تعرض بی‌امان سرمایه‌داران به حیات و هستی‌اش، شاهد، به تباهی رفتن هم‌قطاران در سرتاسر جهان بوده است؛ شاهد بوده است که چگونه سرمایه‌داران بین‌المللی در سیاستی واحد، کارگران را به ماشین سوددهی خود تبدیل نموده‌اند تا بر ثروت‌های بادآورده خود بیفزایند. کُشت و کُشتار کارگران معترض در پنج قاره جهان، تلف شدن بعضاً کارگران در اثر فقدان امکانات ایمنی و بهداشتی، قطع دست و پا به دلیل دستگاه‌های فرسوده و غیر قابل استفاده، اخراج‌های بی‌رویه و به تبع آن‌ها، عدم پرداخت حقوق‌های ناچیز کارگران توسط کارفرمایان و صاحبان تولیدی، از جمله نمونه‌های بارز و رقت‌باری‌ست که کارگران در سال گذشته با آن‌ها رو در رو بوده‌اند و به جرأت می‌توان گفت، که ارزش‌گذاری به کارگر، در چنین سیستم و مناسباتی اصلاً، قابل پذیرش و رضایت‌بخش نیست، و کارگر، علی‌رغم اعتراض و اعتصابات متعدد، نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود، قادر به باز پس‌گیری حقوق اولیه‌اش، و قادر به مقابله مثمر، در برابر زورگویان و سودجویان نیست. شوربختانه جامعه کارگری، بیش از اندازه، هزینه می‌دهد و در مقابل هم، سرمایه‌دار، بیش از اندازه، از بازو و از نیروی کار کارگر، سود می‌جوید.

این‌ها شمای بسیار کلی جامعه کارگری‌ست و بی‌گمان و در این‌میان، یک‌موضوع را نمی‌توان با عریانی تمام انکار نمود، آن است که، من‌حیث‌المجموع، کارگران سرتاسر جهان، فاقد حامیان عملی، در میادین نبرد طبقاتی و در مقابله ثمربخش با سیاست‌های دولت‌های سرمایه‌داری‌اند. سرمایه‌دار، کارگر را به بند می‌کشد و با شتابی صد چندان از نیروی کار وی سوءاستفاده می‌نماید، تا مبادا، چرخش کارخانه‌های سوددهی‌اش از حرکت باز ایستد. چنین وضعیت دهشتناکی فرا قاره‌ای و فرا منطقه‌ای‌ست و مختص این قاره و یا آن قاره، این منطقه و یا آن منطقه نیست. سرمایه‌داران سینه کارگران معترض را به گلوله می‌بندند و اعتراضات به‌حقشان را در نطفه خفه می‌سازند و رهبران آنان را دستگیر و

روانه شکنجه‌گاه‌ها می‌نمایند تا طبقه سرمایه‌داری، با آرامش هر چه بیش‌تری به حیات انگل‌وارش ادامه دهد. چنین اوضاع آس‌فباری غیر قابل تحمل و هم‌چنین، نگاه و نظاره بیش از این، غیر قابل قبول است. این جامعه و دنیای سراسر اجحاف و نابرابر، نیازمند تغییر فوری به نفع کارگران است و بدون شک تغییر آن، منوط به تغییر نگاه کمونیست‌ها، و منوط به عکس‌العمل‌های مناسب حامیان حقیقی و عملی کارگران می‌باشد.

دهه‌های طولانی‌ست که جامعه کارگری خواهان حضور و عکس‌عمل حامیان خود در برابر استثمارگران است و بی‌دلیل هم نیست که سرمایه‌داران به یمن ارگان‌های سرکوب‌گرشان، دست بالا را دارند و هر زمان که کارگر به‌منظور بازستانی حقوق اولیه‌اش به‌میدان آمد، با ارگان‌های مدافع حقوق سرمایه‌داران مواجه گردیده است. تیراندازی به سینه کارگران افریقای جنوبی و حمله پولیس به کارگران معترض ترکیه، تلف شدن روزانه پنج نفر در کارگاه‌های ساختمانی و هر شانزده روز یک کارگر معدن در ایران و... نشان از اوضاع دردناک جامعه کارگری و آن‌هم در زیر سلطه جهان سرمایه‌داری‌ست. کشاکش و جنگ طبقاتی‌ست و قطعاً چنین کشاکش و جنگ‌های نابرابری، نه تنها در سطوح جامعه کارگری، بل در تمامی حوزه‌ها و در دیگر میادین جامعه مان، قابل رؤیت می‌باشد. بدون تردید که کارگر، در سرتاسر جهان، در میدان است و در سرتاسر جهان، سرمایه‌داران را به نبرد فرا می‌خواند و در سرتاسر جهان، خواهان رفع و نابودی استثمار و مناسبات نابرابر می‌باشد. با این اوصاف و با صراحت تمام می‌توان گفت به‌همان میزانی که اعتراض و نارضایتی کارگران، دمار از روزگار سرمایه‌داران در آورده است، در مقابل و به‌میزانی بیش از آن، سازمان‌ها و احزاب مدافع حقوق کارگری، بی‌حضور، آرام و ساکت، فاقد طرح و برنامه‌های روشن، و فاقد سیاست‌های عملی در برابر استثمارگران و سرکوب‌گران جنبش‌های کارگری‌اند.

اغراق و سخنی بیهوده نیست که از این‌دست نمونه‌ها یعنی اعتراضات کارگری در اقصا دنیا فراوان‌اند و در برابر هم، بی‌وظیفگی عملی مدافعان جنبش‌های کارگری و فور می‌باشد. کم نیستند و مجدداً و به‌طور مثال در جامعه ایران و از زمان بعثت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، طبقه کارگر در پرورنده خود، هزاران اعتصاب، اعتراض، درگیری و زد و خورد و غیره با حافظان بقای سلطه امپریالیستی به ثبت رسانده است و هم‌چنان، همان مسیری را طی می‌کند که در چند دهه گذشته در مقابل خود قرار داده است. اعتصابات چند صد نفره و سرکوب‌های متعدد از جانب قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه به‌منظور بازستانی حقوق‌های معوقه چندین ماهه و گاهی سالانه، شفیت مبارزه از میادین تولیدی به خیابان‌ها و غیره، از جمله، رفتار و کردار طبقه کارگر ایران در برابر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در این چند دهه بوده است. متأسفانه درد و رنج کارگر و در زیر مناسبات کنونی، قابل توصیف و یکی دو تا نیست. گرانی و تورم، کمر کارگران را خرد نموده است و دولت‌های حامی سرمایه‌داری، یکی پس از دیگری، در فکر چپاول و استثمار بیش از این کارگران‌اند. کارگر در جامعه‌ای گذران زندگی می‌کند که بنابه گفته سردمدارانش، خط فقر آن بیش از سه میلیون تومان می‌باشد، در حالی‌که دولت "امید و اعتدال" با افزایش حقوق هفده درصدی در سال ۱۳۹۴، حقوق کارگر را به ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان رسانده است؛ دولتی که با شعار رفع بی‌عدالتی‌های موجود درون جامعه به‌میدان آمده است و قصد و مقصودش، به رسمیت شناختن "عظمت و منزلت" کارگران بود!!!

آری، علی‌رغم ادعاها و سیاست‌های دولت روحانی، کارگر، به تجربه و در عمل دریافته است که دولت کنونی، به‌مانند مابقی دولت‌ها، فکر و ذکرش، نه رفع و رجوع معضلات و مشکلات کارگران، بل هموار نمودن معضلات و مشکلات رو در روی طبقه سرمایه‌داری‌ست. حقایق زندگی میلیون‌ها توده ایران و به ویژه اوضاع رقت‌بار کارگران نشان داده است که با وجود دولت‌های حامی سرمایه و آن‌هم در رنگ و لباس‌های گوناگون و شعارهای پُر طمطراق، نه تنها تأثیری در بهبود زندگی و فضای جامعه نخواهد داشت بلکه یکی پس از دیگری، در پی، پی‌گیری سیاست‌های "ریاضت‌کشی" سرمایه‌داران و اجحاف بیش از این کارگران‌اند؛ به اثبات رسیده است که چنین جامعه‌ای نمی‌تواند در

خدمت به رفع ناهمواری‌های زندگی میلیون‌ها توده دردمند و جامعه کارگری ایران باشد. قطعاً درمان دردها و رفع و رجوع نمودن نیازهای کارگران، با نابودی دولت‌های حامی سرمایه و حامیان رنگارنگش گره خورده است. چرا که کارگر در چنین سیستم و مناسباتی، فاقد ارزش‌های انسانی و قدردانی‌ست و نگاه سرمایه، به سازندگان جوامع بشری، نگاه سوددهی بیش از این، و نگاه چپاول به سفره ناچیز کارگران می‌باشد. سرمایه‌داران قدرت کارگران را در جهت منفعت خود کانالیزه می‌نمایند و در مقابل هم، وظیفه پیشروان جامعه کارگری‌ست تا کارگران را حول سیاست‌های روشن و دوران‌ساز، سازمان دهند. چنین امر خطیری از آن و بر دوش جامعه روشن‌فکری و به ویژه بر شانه کمونیست‌ها، سازمان‌ها و احزاب کمونیستی‌ست و مسلم است که، بدون دخالت‌گری و بدون حضور یابی سازمان‌ها و احزاب مدافع کارگری در درون جامعه، امر مبارزه و خواسته‌های دیرینه کارگران به پیش نخواهد رفت و همچنان لگد مال خواهد شد.

در یک کلام پیروزی و تضمین حقوق پایه‌ئی طبقه کارگر ایران و هم‌قطارانش در سرتاسر جهان، در گرو انتخاب سیاست‌های پیش‌رونده و عملی کمونیست‌ها، و مضافاً، در اتکاء و در هم‌سوئی با اعتراضات و اعتصابات کارگری‌ست. زمانی می‌توان شاهد پیروزی و پیش‌روی‌های جنبش‌های اعتراضی کارگری بود، که سازمان و حزب مدافع وی، کارفرمایان و صاحبان تولیدی و مدافعان عملی طبقه سرمایه‌داری را مورد خطاب قرار دهند. در چنین زمانی‌ست که سرمایه، گام به‌گام، پس کشیده خواهد شد و دنیا و جامعه کارگری، بیش از این، شاهد تلف شدن، استثمار و به خاک و خون کشیده شدن کارگران نخواهد بود. بنابر این، جدا از گرامی‌داشت اول ماه می، روز جهانی کارگر، لازم و ضروری‌ست تا در چنین روزی، نگاهی دوباره و تازه‌تر، پیرامون معضلات و مصائب جدید، و رو در روی طبقه کارگر انداخت و همچنین وظیفه عملی خود را مورد بازنگری قرار داد و مهم‌تر از همه این‌ها، با یگانه طبقه تا به آخر انقلابی - و آن هم، فارغ از بلند پروازی‌ها و ادعاها -، سخنی حقیقی گفت.

۲۶ اپریل ۲۰۱۵

۶ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۴